

نبرد دو خلیفه در لیبی

لیبی، کشوری که نزدیک به سه سال پس از زانو زدن شتر سرهنگ قذافی در ریگزارهای شمال آفریقا، هرج و مرج را به دیکتاتوری ترجیح داده و همچنان دولت های مستعجل...



جام جم آنلاین گزارش می دهد

نبرد دو خلیفه در لیبی

لیبی، کشوری که نزدیک به سه سال پس از زانو زدن شتر سرهنگ قذافی در ریگزارهای شمال آفریقا، هرج و مرج را به دیکتاتوری ترجیح داده و همچنان دولت های مستعجل آن یکی پس از دیگری در مهار ناامنی جا می زنند و پا پس می کشند، تبدیل به یکی از خطرناکترین کانون های بحران جهان و مراکز پرورش افراط گرایانی از جنس داعش شده است.

به گزارش جام جم آنلاین، امروز، جمعه دولت موقت لیبی به رهبری عبدالله الثنی نیز استعفا و رسماً اعلام کرد که از دست شورشیان افراطی که نام اسلام را یدک می کشند، به تنگ آمده است.

دولت الثنی، تنها دولت لیبی نیست که این روزها نامش شنیده می شود و این یکی از دلایلی است که دولت مستعفی مستعجل در بیانیه خود به آن اشاره و از بی توجهی به «مشروعیت مجلسی» که «جامعه جهانی آن را به رسمیت شناخته است» گلایه کرده است.

دولت و مجلس موازی

اکنون سخن از یک دولت موازی در لیبی است که منتسب به اسلام گرایان است، حرف پارلمان را در معرفی نخست وزیر نمی خواند و در یک جمله، علیه دولت مرکزی سر به شورش برداشته است.

دولت موقت و مجلس جدید لیبی از بیم حملات شبه نظامیان این کشور که کنترل طرابلس (پایتخت) را در دست گرفته اند، در شرق لیبی مستقر شده اند.

اما لیبی یک مجلس هم ندارد. خبر استعفای دولت موقت در حالی اعلام می شود که چند روز قبل مجلس سابق این کشور موسوم به کنگره ملی لیبی که مجلس جدید در ماه ژوئن (تیرماه) رسماً جایگزین آن شد، عمر الحاسی شخصیت اسلام گرای لیبی را مامور تشکیل «دولت نجات» کرده بود.

اسلام گرایان لیبی پس از طرح اتهاماتی علیه مجلس جدید مبنی بر همدستی در بمباران های هوایی هفته گذشته علیه مواضع شان، از کنگره ملی لیبی خواستند بار دیگر تشکیل جلسه دهد.

عقبه شمال آفریقایی داعش

حالا جماعت موسوم به انصار الشریعه در پیشانی اسلامگرایان لیبیایی قد علم کرده اند و خاک این کشور را شایسته برقراری خلافت می دانند.

انصار الشریعه که دامنه یارگیری آن محدوده وسیعی از مناطق فقیر نشین شمال آفریقا از تونس تا الجزایر و لیبی و مغرب را شامل می شود، دموکراسی را کفر می داند، هر چند از مظاهر دنیای مدرن مانند شبکه های اجتماعی به بهترین شکل برای تبلیغات خود استفاده می کند.

شبکه العالم در این باره در پایگاه اینترنتی خود می نویسد: جماعت انصار الشریعه با صدور بیانیه ای در فیسبوک اعلام کرد که دموکراسی با "شورا" که در اسلام بر آن تاکید شده، در تضاد است.

این بیانیه افزود: دموکراسی به کفار و منافقین امکان می دهد به شیوه ای که برخی جاهلان آن را شرعی می دانند، بر مسلمانان سیطره یابند.

از نظر انصار الشریعه، از مهمترین مفاسد دموکراسی، به رسمیت شناختن موسسات و قطعنامه های کفرآمیز سازمان ملل متحد و شورای امنیت و قانون احزاب است.

این بیانیه یادآور می شود که دموکراسی و انتخابات، مبتنی بر غوغا سالاری و به رسمیت نشناختن حاکمیت خداوند از طریق پارلمان است.

با این نوع رویکرد، گلایه دولت مستعفی لیبی هم از عدم تمکین افراطیون این کشور به پارلمان منتخب بیجا به نظر می رسد.

به هر تقدیر انصار الشریعه پایش را در لیبی همان جایی گذاشته است که داعش در عراق و سوریه.

بیعت های آشکار و پنهان

ابوعیاض رهبر گروه انصار الشریعه در تونس است. او یک ماه پیش در صفحه فیسبوکش به «قهرمانی های مجاهدین داعش در عراق» مباحثات می کند و خواستار گفتگوی توافقی بین «گروه های جهادی» می شود.

وی می افزاید: «با الهام گیری از فتوحات عراق، از همه طرفداران و مشایخ و سربازان جریان جهادی می خواهم که از این پیروزی ها بهترین استفاده را بکنند تا رویکردهایشان را از همه گروه های جهادی مبارز در راه اعتلای کلمه توحید یکپارچه کنند و تلاش کنند تا شریعت اسلامی بر زمین حکمفرمایی کند.»

سه هفته پیش هم روزنامه الجزایری البلد از نشست پنهانی دو گروه تروریستی انصار الشریعه و داعش در ترکیه به منظور حمله

به لیبی و تونس خبر داد.

گروه انصار الشریعة موظف شده است از نیروهای جهادی کشورهای مغرب عربی موسوم به سازمان القاعده در کشورهای مغرب اسلامی حمایت کند.

این بدان معناست که گروه تروریستی داعش با بسط دادن فعالیت های خود در مغرب عربی شامل کشورهای لیبی، الجزایر، تونس و مغرب، تلاش می کند زمینه را برای بازکردن جبهه دیگری در عمق راهبردی خاورمیانه و شمال آفریقا فراهم کند و از اوضاع وخامت اوضاع امنیتی لیبی نهایت استفاده را ببرد.

روزنامه العرب چاپ لندن نیز می نویسد: داعش از تایید بسیاری از جماعت های تروریستی در مغرب عربی برخوردار است و حضور موثر لیبیایی و تونسی تباران در صفوف جنگجویان آن در عراق و سوریه نیز موید این نکته است. به نوشته این روزنامه به نقل از منابعی امنیتی، قرار است انصار الشریعة در لیبی با داعش بیعت کند و شهر درنه را مقر خلافت قرار دهد، هرچند انصار الشریعة، پیشتر بنغازی را امارت اسلامی خوانده و محمد الزهاوی امیر این سازمان در بنغازی در رادیو التوحید از ساکنان شهر خواسته است آن را به رسمیت بشناسند.

خلیفه ای دیگر

طرفه آنکه، لیبی دو دولت و دو مجلس، دو خلیفه دارد. خلیفه ای به نام ابوبکر البغدادی که دنباله دارانش در انصار الشریعة در حال مهیا کردن بسط قلمرو وی هستند و خلیفه ای دیگر که از جنس آنها نیست؛ نامش «خلیفه حفر» است، فرمانده عملیات های ضدتروریستی که چند ماهی است تلاش می کند نفوذ سپاهپوشان منتسب به خلافت خودخوانده داعش را سد کند. خلیفه بلقاسم حفر سال ۱۹۴۹ در شهر بنغازی در شرق لیبی به دنیا آمد. وی تحصیلات نظامی را در آکادمی نظامی بنغازی گذرانده و در شوروی نیز آموزش دیده است. حفر بیست ساله یکی از نظامیان جوانی بود که قذافی جوان را در کودتای ۱۹۶۹ برای سرنگونی پادشاه ادريس سنوسی یاری کردند. وی همچنین یکی از اعضای شورای فرماندهی انقلاب بود که برای اداره کشور در روزهای پس از انقلاب تعیین شده بود.

گروه تروریستی داعش با بسط دادن فعالیت های خود در مغرب عربی شامل کشورهای لیبی، الجزایر، تونس و مغرب، تلاش می کند زمینه بازکردن جبهه دیگری در عمق راهبردی، خاورمیانه و شمال آفریقا فراهم کند و از اوضاع وخامت اوضاع امنیتی، لیبی نهایت استفاده را ببرد. حفر در سال ۱۹۸۷ در حالیکه به عنوان فرمانده نیروهای نظامی لیبیایی مستقر در چاد در جنگ لیبی و چاد عمل می کرد به اسارت چادی ها درآمد. دولت لیبی تلاشی برای آزادی آنها نکرد و اعلام کرد که آنها از ارتش پیروی نمی کرده اند و خودسرانه وارد چاد شده اند. این امر باعث شد که خلیفه بلقاسم حفر به یکی از مخالفان سرسخت قذافی تبدیل شود. وی بعد از چند سال زندان در سال ۱۹۹۰ آزاد شده و همراه با تعدادی از همزمانانش به آمریکا رفت و در سال ۲۰۱۱ برای مشارکت در انقلاب ۱۷ فوریه به لیبی بازگشت. در این دوران فرمانده نیروهای زمینی ارتش مخالفان قذافی بود و در براندازی وی نقش داشت. شورای حکومت انتقالی لیبی در این دوران وی را به عنوان فرمانده نیروی زمینی برگزیده بود که سومین مقام مهم در ارتش مخالفان قذافی پس از عبدالفتاح یونس فرمانده کل قوا و عمر الحریری رئیس ستاد محسوب می شد. کمی پس از سقوط رژیم قذافی حدود ۱۵۰ افسر و افسر وظیفه وی را فرمانده جدید ارتش لیبی اعلام کردند و در واقع سعی داشتند دولت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند اما مقامات دولت با این موضوع مخالفت کردند. او همچنان از پشتیبانی بسیاری از افسران ارتش لیبی برخوردار است و خود را فرمانده ارتش این کشور می داند.

ماموریت دشوار حفر

حفر که گفته می شود از حمایت همزمان آمریکایی ها و پشتیبانی ژنرال عبدالفتاح السیسی در مصر برخوردار است، در ماه مه سال ۲۰۱۴ عملیاتی را با استفاده از نیروهای نظامی مطیع خود با نام «کرامت لیبی» در بنغازی به اجرا درآورده است. در این عملیات نیروهای حفر پایگاه های گروه های شبه نظامی (به ویژه انصار الشریعة) را هدف قرار داده اند که منجر به کشته و مجروح شدن شمار زیادی از آنان شد. حفر هدف از این عملیات را پاکسازی لیبی از گروه های تروریستی و تکفیری و اخوان المسلمین اعلام کرده است. وی گفته که کنگره ملی (مجلس سابق) اجازه داده تا تروریست ها از سراسر دنیا در لیبی جمع شوند و امنیت این کشور را تهدید کنند. به نظر می رسد روزهای خونباری در انتظار لیبی باشد، کشوری که پس از انقلاب آن باز هم به فراموشی سپرده شد. شبخ جنگ بر سر کشوری که برخی طرفداران سرهنگ معدوم می گویند، دچار نفرین قذافی شده است، همچنان بر سر این کشور سنگینی می کند؛ کشوری که به گفته خود معمر قذافی تا پیش از کودتای وی و خلع ملک ادريس در سال 1969 بسیاری نام آن را نمی دانستند و آن را با لیبیا و لبنان اشتباه می گرفتند.

جام جم آنلاین- جواد ارشادی